

گزارشی از متن سخنرانی برادر سرهنگ علی صیاد شیرازی بمناسبت یزرگداشت شهادت مهندس حسین ناجیان مسئول ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب که در تاریخ ۶۱۷/۱۵ در جمع برادران جهادگر ایراد شده بود.

برادر صیاد شیرازی سخنان خود را، با سلام و درود به روان پاک شهدای انقلاب اسلامی و تمامی شهیدانی که خون پیرکت آنها امروز به اسلام بها داده و بما الهام داده است که بیاری خداوند راه آنها



سخنرانی برادر سرهنگ صیاد شی

پیروزی ماهه

امداد

را همچنان قاطعانه پیش ببریم و با سلام بر امام امت رهبر کبیر انقلاب و فرمانده کل قوا امام خمینی شروع نمودند و سپس بمناسبت شهادت مهندس حسین ناجیان، مسئول ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب، به کلیه جهادگران تبریک و تسلیت گفته و با اشاره به ایثارگریها و فداکاریهای او گفت: من از او خاطرات زیادی دارم، خاطراتی از ایثارگریها و جهادگریهای این مرد که در صحنه پرتلاطم نبود هدایتگر ایثارگریها بود، او که هر زمان، در هر مکانی وجودش لازم میشد، هرکاری و با هر وسعتی که بود، رزمندگان را در عملیات علیه دشمنان یاری میداد. او در تمام عملیاتی که انجام میشد درجه در کنار رزمندگان و یا پیشتر از آنان حضور داشت، در عملیات طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان و بالاخره مسلم بن عقیل. او فرزند این زمان نبود و ایثارگریهایش فقط محدود به مناطق جنگی نبود.

برادر سرهنگ صیاد شیرازی سپس برای تجلیل از شهدا گفت: «ما امروز به احترام روح همه شهیدان و به ویژه شهید مهندس حسین ناجیان، باید از مجالسی که به عنوان سپاس از آنان برگزار میشود بهره بگیریم و بیاری خداوند و الهام از حرکت خالصانه آنان هرچه می توانیم، قدرنمتهایی که نصیب ما شده بدانیم و سپاس خدا را بگوئیم و همچنان ما نیز راه آنان را که امانتی است برای ما، طی کنیم.»

وی همچنین در ادامه سخنان خود افزود: «شهدا از درجات مختلفی برخوردارند، که این درجات را خدا می داند و ما انسانها تنها قادریم به اندازه تحقیق و کاوش خودمان چهره آنان را بشناسیم، ما اگر در چهره یک شهید قبل از شهادتش عمیق شویم، در زنده بودن جسمی او هم می توانیم نور شهادت را از



*** پیروزی ما تکامل در حرکتی است که شروع کرده ایم و امروز با قدرت خداوند به پیش می رویم تا هرگونه که صلاح باشد دشمن خیره سر را که نمونه ای از دشمنان اسلام هستند از پای درآوریم.**

*** ایثارگریها و فداکاریهای شهید مهندس ناجیان در صحنه های پرتلاطم نبرد هدایتگر همه ایثارگریها بود و او در هر جا و مکانی که لازم میشد برای مبارزه با دشمنان و یاری اسلام شرکت میکرد.**

چهره اش تشخیص دهیم و از حالات آنها بهره بگیریم، تا ما نیز بتوانیم چون آنان به تکامل برسیم و با روحی متمالی بسوی خدا برویم، و مسأله دیگری که در رابطه با شهدا موجود است، اینکه آنها هر کدام افتخار اینرا داشته اند که در نهاد و یا نهادهایی باشند و در آنجا خدمت کنند، و چقدر با شکوه است هنگامیکه این نهاد و سازمان جهادسازندگی باشد. جهادسازندگی که اگر تاریخ امروز بخواید ایشارگریها و فداکاریهای او را مطالعه کنید، تنها به

ازی در مجلس ترحیم شهید ناجیان

هدایت شده از خون شهدا و ای غیبی خداوند است

اندازه ای است که با آن سروکار داشته و یا درحالی است که توان شنیدن آنرا داشته است و بیش از این قادر نیستند. و اکنون قدرت تاریخ نویسان آنقدر نیست که بتوانند در مورد انقلاب اسلامی و نهادهای جوشیده از بطن انقلاب ما، همه چیز را تحلیل کرده و بنویسند و منتشر کنند، و این مسأله پرورش خود نهادها و خصوصاً جهادسازندگی است که در مورد آن مطالعه کنند و بنویسند تا جهانیان پی به عظمت انقلاب و نهادهای ما ببرند.

فرمانده نیروی زمینی ارتش همچنین در بخش دیگری از سخنان خود پیرامون عظمت انقلاب و نقش نهادها و خصوصاً جهادسازندگی در آن گفت: «اگر کسی بخواید پی به عظمت انقلاب ما ببرد مستلزم آن، آگاهی داشتن از مبانی مکتب نوین اسلام است. هم اکنون تاکتیکهایی که رزمندگان ما در صحنه های نبرد بکار می برند، تاکتیکهایی است که تنها افراد معتقد به مکتب اسلام می توانند آنرا درک کنند، غیرمسلمانان اگر این تاکتیکها را بدانند و مطالعه نیز بکنند، ولی چون اعتقادی به مبانی ما ندارند، چیزی از آنرا نمی فهمند و نمی توانند از آن بهره برداری کنند و برایشان قابل اجرا نیست. و همین مسائل و تاکتیکهاست که ما اکنون در صحنه های نبرد بکار می گیریم و دشمن با تمام قدرت و امکاناتی که دارد نتوانسته است در برابر آن اقدامی کند. بر محققین اسلامی و خصوصاً آنها که در نهادها مشغول فعالیت هستند، میباشد که نقش نهادها را بررسی کرده و به ثبت برسانند، تا دیگران به غیر آنها که در صحنه های نبرد هستند، پی به نقش مهم آنها و خصوصاً جهادسازندگی ببرند. نقش مهم جهادسازندگی را اکنون تنها کسانی که در میدانهای رزم هستند می توانند، ارزشیابی کنند و بدانند جانشینان از آنها، برای ما چه ضربه مهلکی است.

ما همیشه در جلسات خردمان به نقش مهم آنان اشاره می کنیم، و سعی میکنیم قدر و منزلت این نهاد انقلابی را بدانیم، و به آنها گوشزد کنیم که جدا شدن آنها لزماً حتی برای یک لحظه هم ممکن نیست. جهاد در آرزمان و موقعیت حساس کردستان، برای ما در دور تا دور این منطقه سنگر و پایگاههای تعلیماتی درست میکرد و هم اکنون این پایگاهها به عنوان بستنی معتبر تا قرنهای خواند ماند. من این مسأله را مکرراً خواهم گفت که ما بعد از خداوند در صحنه های نبرد، تنها به نیرو و ایشار جهادگران متکی هستیم.

برادر سرهنگ صیادشیرازی در ادامه سخنان خود به خاطرهای از فداکاریهای جهادگران اشاره کرده و گفت: «برادران جهادگر ما در حمله طریق القدس، در عرض ۱۵ روز در کنار گوش دشمن، در داخل رملها یک جاده ۱۵ کیلومتری زدند، بطوری که دشمن متوجه نشد و رزمندگان ما توانستند شبانه از پشت، دشمن را غافلگیر کرده و تا صبح عملیات، بلوچود نیز میبری که به مهمات داشتیم، چون ما تنها پنج گلوله توپ می توانستیم صرف دشمن کنیم، اینان تاسیسات ما را فراهم کردند این مسائل ممکن از دیدگاه ما که معتقد به اسنادهای الهی و بدهای معنوی قوی هستیم، درکش آسان تر باشد. جهاد در تاسیسات سازی در دنیا رکوردی عظیم ایجاد کرده است آمریکائیا با تمام امکاناتی که برای مصرف دارند برای ایجاد یک سایت رادار دولتی شش ماه را صرف می کنند، ولی ما عملاً دیدیم که جهادگران اینکار را در زیر آتش گلوله های دشمن در عرض یک هفته انجام دادند و در تمام عملیات خاکریزها و سنگرهای ایجاد کردند که بیشتر پیروزیهایمان را در عملیاتها مدیون این جهادگران هستیم. مسأله مهمتر و بارزی که در جهادگران و رزمندگان ما هست، روحیه شهادت طلبی آنهاست، که ما باید از آنها قدر بدانیم، زیرا همین برکت خون شهید است که ما را در انجام مبارزه تقویت کرده و در ادای مسئولیتیمان تشویق و ترغیب می کند.»

فرمانده نیروی زمینی ارتش همچنین به نقش جهادسازندگی در عملیات مسلم بن عقیل و پیروزیهای آن عملیات پرداخته و ادامه داد: «یکی از مسائل مهم در رابطه با عملیات مسلم بن عقیل، خوب گزارش نشدن این عملیات به ملت مسلمان و مبارز ماست، در حالیکه انعکاس آن با تمام

تحریفاتی که می شود، در خارج از کشور بیشتر بوده است. عملیاتی که در آن برادر شهید حسین ناجیان، همچنانکه مدیریت مهندسی رزمی را در خطوط مقدم جبهه بعهده داشتند و در همان خطوط نیز به شرف شهادت نائل آمدند. این عملیات یکی از پرشکوهرترین عملیاتی بود که روح معنویت به گونه هماهنگی در تمام رزمندگان و جهادگران وجود داشت، و ما مکرراً برادران را به مسأله «بومنون بالفیبه» گوشزد می کنیم و معتقدیم که ترکیب مقدس جنگی ما در صحنه های نبرد تنها لشکریان انسانی نیستند و دست خداوند برای یاری ما در کار است و هم اوست که ما را به پیروزی می رساند، همارمیت ادرمیت ولیکن الله رحیم... من اینرا به امت همیشه در صحنه می گویم که این روح معنویت تنها در شب عملیات وحمله وجود نمی آید، بلکه زمینه قبلی دارد و باید از همان قدم اول که نیت برای حرکت است ما به توکل خداوند مسلح شویم. و او را همواره ناظر و شاهد پراعمال خردمان بدانیم و برای او خالص شویم و حرکت کنیم و به مبارزه علیه ظلم و ستم و ظالمان ادامه دهیم، و برای حرکت خردمان نیز به اصلی که خداوند تذکر می دهد، «وقاتلوا اولیاء الشیطان» مطمئن باشیم که خداوند با لشکریان غیبی اش همیشه با ما و در کنار ما خواهد بود.

در همین عملیات مسلم بن عقیل، ما بکروز قبل از انجام عملیات در فکر بودیم که آیا این عملیات را شروع کنیم و یا مدتی را صبر کنیم تا زمینه بهتری ایجاد شود. در این رابطه مسأله مهمی بود که چند روز قبل از انجام عملیات تعددی از برادران گروه تخریب برای باز کردن میداین مین رفته بودند که با دشمن درگیر می شوند، و متأسفانه یکی از برادران پس از بازگشت آنان جا می ماند برادران دیگر می گویند او شهید شده است، ولی ما روی حساب خردمان گفتیم اگر احیاناً شهید شده باشد ممکن است به هر صورتی که شده از او اقرار بگیرند و از نقشه ما اطلاع پیدا کنند. بنابراین ما به عملیاتی در شب عید قربان عملیات را انجام ندادیم و چند شب بعد حمله را شروع کردیم، که آن عملیات در یک شب شروع و صبح تمام شد. در بین اسرانی که گرفته بودیم یکی از فرماندهان یعنی اقرار کرد که: یکی از سربازان شما که در میداین مین اسیر شده بود، بما گفت ما شب عید قربان حمله می کنیم، ما نیز در شب عید قربان آماده و هوشیار بودیم، وقتی دیدیم حمله نشد، روز بعد را هم صبر کردیم ولی باز هم حمله نشد، ما هم وقتی دیدیم که روز بعد نیز حمله نشده، اکثر سربازان را به مرخصی فرستادیم.

ما نیز خدا شاهد است تا آنروز با برادر رضایی و مسئولین دیگر بررسی می کردیم که چه وقت حمله کنیم، آیا در هفته جنگ حمله کنیم؟ تا مردم احساس کنند هنوز جنگ هست و مطالب بیشتری را برای ارائه تبلیغات به جهانیان داشته باشند و هم اینکه در هفته جنگ ما نمونه ای از عملیات پیروزمندان داشته باشیم، ولی با تمام بررسی هایی که کردیم بقیه در صفحه ۵۴

دیدیم مشکلاتی است که مانعی توانیم حمله را شروع کنیم، اما رزمندگان برای انجام عملیات ما را در فشار قرار داده بودند و ما نیز رضایت به انجام عملیات را دادیم و ما حمله را همزمان با فرستادن سربازان عراقی به مرخصی شروع کردیم و همان صبح نیز با تعداد کثیری اسیر، عملیات خاتمه یافت، یکی از خاطرات خیلی شیرین و از امدادهای غیبی خداوند در آن شب این بود که ما وقتی از طرف کردستان به طرف باختران می آمدیم، در راه دیدیم که نم باران می آید و همان شب ما نیز بحث میکردیم که در این شبها چون ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ماه و آسمان نورانی است بدترین شرایط جنگی ماست، زیرا دشمنی که در ارتفاعات کورنریک و دیسکه مستقر است کاملا بر منطقه مسلط است، و ما نیز باید از داخل دشت رو به سربالایی به دامنه آن برویم و طوری حمله کنیم که آنها نزدیک شدن ما را نبینند، چون اگر متوجه شوند با توجه به آگاهی قبلی آنها از حمله ما، ما را بمباران میکنند دشمنان چند روز قبل از حمله ما، بویی برده بودند که ممکن است ما در این روزها حمله داشته باشیم روی این اصل، بمباران و عکسبرداری میکردند تا ببینند ما در کجا هستیم و چگونه گسترش داریم تا بیایند و بمباران کنند.

ما در شب حمله با یاری خداوند، اجازه عملیات را به رزمندگان دادیم، با تمام مشکلات چاره ای نبود، چون رزمندگان در خط مقدم بودند و ممکن بود خسته شوند و قدرت رزمی خود را از دست بدهند، که با توکل به خداوند و امداد غیبی او توسط ابرو بلزنگی عملیات را شروع کردیم که بحدائقه با موفقیت و یک شبه انجام شد.

در شب پرادرانی که در باختران بودند و اطلاعاتی که از باختران دارند میدانند که آن منطقه خصوصا در سوار بندرت آسمان ابری و بندرت تر باران می آید. هوا در آنجا بسیار گرم است، اما این نم باران باعث شده بود که یک نسیم خنک ایجاد شود و رزمندگان با خیال راحت جا بجا شده و فعالیت میکردند و از سوی دیگر دشمن نیز قدرت بمباران

نداشت، چون خیری را با سیاهی یکپارچه ای که ابر ایجاد کرده بود نمی دید و جلاد محور غرب به سوار هم بر اثر رفت و آمد کامیونها و ماشینها مثل اتوبان شده بود که ما از این بابت نیز مشکلی نداشتیم و مطمئن بودیم که با وجود این ابر دشمن نمی تواند عکسبرداری کند ما در روز شب حمله هر چه منتظر ماندیم تا عصر حتی یک گلوله هم از طرف آنها تیراندازی نشد، در صورتیکه در روزهای قبل مبادله بصورت مرتب وجود داشت، در شب حمله که شب جمعه هم بود دعای کبیل و توسل را خواندیم، دعای آتشب به گونه ای بود که همه بصورت یکپارچه به خداوند متوسل شده بودند، حمله را شروع کردیم، ماه از پشت ابری به ابر دیگر میرفت و آسمان حالت عجیبی گرفته بود، گاهی اوقات روشن و گاهی تاریک میشد با این حالت ما برآورد کردیم که نیروها میتوانند در زمان تاریکی بسرعت بجلو بروند و وقتی که روشن شد استراحت کنند تا ضمن اینکه خستگی خود را رفع کردند، جلو را نیز برای ادامه دادن ببینند. این تصور ما درست بود، چون روز بعد یکی از فرماندهان که در نقطه دیگری بود، میگفت: ما از دشمنی که در دامنه ارتفاعات وارنین بود میخواستیم عبور کنیم، و آنجا هم تنها جایی بود که دشمن کاملا میتوانست ببیند که چه کسانی عبور میکنند، در همان لحظات بود که ما دیدیم یک ابر سیاه کمک کرد و ما با سرعت خود را به دامنه ارتفاعات رساندیم، وقتی که خسته شدیم، دیدیم که هوا کمی روشن تر شد، منتهی گاهی روشن و گاهی خاموش میشد، و ما کاملا شیاهارا تشخیص میدادیم و بطرف بالا حرکت میکردیم. طول جبهه ها ۲۲ کیلومتر و همه هم روی ارتفاعات بود، این رزمندگان ما طوری حرکت کردند که با وجود ۵۰ دقیقه تاخیر همه با هم رسیدیم و هیچ گونه درگیری نیز رخ نداد آنوقت بهترین شرایط برای نزدیک شدن به دشمن و حمله بود. رزمندگان پس از چند لحظه استراحت هجوم را آغاز کردند و قبل از نماز صبح نیز ما دیدیم که تمام هدفهای لازم را با وجود آلودگی در ارتفاعات گرفته بودند و دشمن نیز

از آنطرف با سرعت، بطرف شهر مندعلی پا بفرار گذاشتند بطوریکه روز بعد تا عصر ما حتی گلوله ای از توپخانه دشمن به روی ما نبود، گویا توپخانه آنها عقب بوده و آنها نیز با فرار سربازان، فرار کرده بودند. در نتیجه برادران ما موفق شدند و این از امدادهای غیبی و فراموش نشدنی خداوند بود که توسط ابرو باران رزمندگان ما توانستند هدفها را بگیرند و برادران جهادگر نیز با سرعت خاکریز بزنند و مجروحین را تخلیه کنند. این مسائل همه هدایت شده از سوی خداوند است و ما اینها را از یرکت خون شهیدان میدانیم و باید دعا کنیم و از خداوند بخواهیم که قدرت شکرگزاری و سپاس از نعمتهای بیکرانش را بما بدهد تا درک نعمت کنیم و در مسیرمان پایدار و استوار به حرکت ادامه دهیم.

وی همچنین در پایان سخنان خود افزود: پیروزی ما نزدیک است، پیروزی ما گرفتن زمین و مکان مشخصی نیست، بلکه تکامل در حرکتی است که آغاز کردیم و امروز با قدرت خداوند به پیش می رویم. در سراسر جبهه ما ذلت دشمن کاملا مشخص و هویدا است و دشمن دانما مضطرب حمله از سوی ما است. امروز به برکت اسلام نیروهای ما مهیا می شوند تا هرگونه که صلاح باشد دشمن خیره سر را که نمونه ای از دشمنان اسلام هستند از پای درآورند و ثمره آن پیروزی را بدست آورند و همه این رسالتها در سراسر جهان بر دوش رزمندگان اسلام است تا بیاری خداوند و وجود بر برکت و رهنمودهای امام خمینی بتوانیم مستضعفین جهان را نجات دهیم و مسلمانان را در همه جا منسجم علیه مستکبران به مبارزه بخوانیم. در پایان از خداوند می خواهیم که قدرت درک مسئولیت و انجام وظیفه به ما عنایت فرماید و شناخت بدهد تا بتوانیم از عهده مسئولیتهای سنگین زمان فائق و پیروز درآئیم. من از خانواده تمام شهدا و خصوصا شهید ناجیان پوزش می طلبم که نتوانسته ام انگونه که حق شهیدایشان است، ادای مقام شهید را بنمایم، اما با درک شخصیت ایشان هید و ان چهره فردی و اجتماعی اش، نزد خداوند متعهد می شوم که راهش را دنبال کنیم و در تا آخر در مقابل دشمنان اسلام و مسیر باطل ثابت بناییم و دفاع کنیم.

والسلام

دولت جدید آلمان،

قبل می تواند دلیل دیگری بر وخامت اوضاع در دولت آلمان باشد.

در حال حزب سوسیال دمکراتها، به رهبری اشمیت به دلالی که برشمریم جای خود را به هلموت کول ۵۲ ساله داد که دارای درجه دکترا در رشته فلسفه است. هلموت کول در اواخر جنگ جهانی دوم ریاست یک مدرسه نظامی را داشت. در سال ۱۹۷۰ مسئولیت یکی از شبکه های تلویزیون آلمان را بعهده گرفت و از سال ۱۹۷۳ حزب دمکرات مسیحی را رهبری کرد و در سال ۱۹۷۶ به عضویت پارلمان

اشمیت است. ترقی خواهانشی که انگونه عمل کردند، باید بینیم راستگرایانش چگونه عمل می کنند در این میان تاسف در این است که چرا ملت آلمان، نمی خواهند این حقیقت را بپذیرند، که تا زمانیکه عملکردهای احزاب در حوزه همان دایره مناسبات امپریالیستی قرار دارد، چگونه قادر خواهند بود که از خواب وحشتناکی که شیطان بزرگ، برای آنها دیده است مطلع گردند و از بن بستنی که سیاستمداران ذغلكار آلمانی با اجرای سیاستهای ضدبشری آمریکا برای آنان بوجود آورده است بیرون آیند. بامید روزیکه همه ملت ها به خود آیند و ریشه هرچه ظلم و جهل و جنایت را از دنیا بکنند.

والسلام

آلمان درآمد. بنا به گفته آگاهان، وی سیاست خارجی اشمیت را ادامه خواهد داد به آمریکا نیز نزدیکتر خواهد شد و ضمنا هزینه های دولتی را کاهش خواهد داد.

آخرین کلام:

بنابر این دولت هلموت کول نیز ادامه دهنده راه هلموت اشمیت خواهد بود و حتی در سیاست خارجی خود، خواهان نزدیکی بیشتر با امریکاست در واقع دولت جدید آلمان امریکائی تر از دولت هلموت